



Leben & Leben Lassen e.V.
- zur Verwirklichung der Menschenrechte -
gegründet im Jahre 1993
gemeinnützig

زندگی کن و بگذار زندگی کنند - انجمن ثبت شده برای تحقق حقوق بشر تا سپتامبر ۱۹۹۳
Live & Let Live - Registered Society founded 1993 for the Realisation
of human Rights
Vivre & Laisser Vivre - Société enregistrée fondée en 1993 pour la
Réalisation des Droits de l'Homme

سرپوشی به نام بهار عربی

مسعود هارون مهدوی

با توجه به خبرهای ناگوار و تکان دهنده ای که روزانه از درون مناطق تحت کنترل تروریست های داعش بگوش میرسد، شعله های آتشی که از نتایج این توطئه کثیف برخاسته هر روز که می گذرد بیشتر بچشم میخورد و میتوان پی به عمق و وسعت ظلم و جنایاتی که نسبت به ساکنین مناطق جنگ زده امثال لیبی، سوریه، عراق (که شامل مناطق کردنشین هم میشود) برد.

یکی از نتایج حاصل از این توطئه، صدمه به کشورهای اروپایی بوده، چون ساکنین مناطق جنگ زده از ترس این تروریست های مزدور اجباراً میبایستی بخاطر نبود امنیت و شرایط لازمه ادامه زندگی، ترک محیط زندگی خود نموده و به کشورهای اروپایی هجوم بیاورند. از جمله به کشور آلمان که نسبت به کشورهای دیگر شرایط سهل تری برای پذیرش پناجویان قائل شده است.

همزمان با پذیرش صدها هزار پناهنده که تاکنون متجاوز از یک میلیون میشود، مقامات آلمانی با اعتراضات شهروندان آلمان روبرو شده اند. با توجه به مشکلات عدیده ای که منجر به آشوب و ناامنی و حوادث ناگوار شده باعث اختلاف مابین قشر ها و احزاب گردیده.

بعد از این تحولات بود که تازه ساکنین اروپا پی به ماهیت واقعی پدیده به اصطلاح بهار عربی بردند. نحوه پخش ایده ترفند «بهار عربی» و بکار بردن این عنوان چنان وسیع و هماهنگ از طریق خبرگزاری های مختلف از جمله صدای آمریکا (VOA) و بی بی سی (BBC) وابسته به دولت های آمریکا، انگلیس و غیره صورت میگرفت که متأسفانه باعث شده بود خیلی از بینندگان و شنوندگان این فرستنده ها چنان تحت تأثیر قرار گیرند که باورشان آمده که صاحبان قدرت قصد خیری برای ملت های این کشورها دارند. تا بحدی این تبلیغات مؤثر واقع شده که خیلی ها امیدوار شده بودند که بعد از سالها ساکنین این مناطق از آزادی و رفاه لازمه برخوردار شوند و از زیر سلطه دیکتاتورها نجات پیدا کنند.



فکر میکنم بجاست اگر در این مقاله اشاره به قسمتی از مقاله ای که تحت عنوان «حمله نظامی به ایران و عواقب آن» حدود پنج سال پیش برای نشریه کیهان چاپ لندن تهیه دیده بودم، نمایم که از این قرار است:

«حوادثی که در طول این تغییر و تحولات بخصوص در مورد کشور لیبی اتفاق افتاد از جمله حملات شدید هوایی ناتو که منجر به نابودی خیلی از تأسیسات لیبی شد بیشتر از ماهیت طوفان های شن صحرا های عربستان که وصف آن را شنیده ایم برخوردار بود تا نسیم بهاری. آنطور که بویش می آید نمایشنامه این نسیم «بهار عربی» همچنان ادامه خواهد داشت»

اما حالا پی برده اند که تا چه حد خوش خیال بوده اند.

نمونه ای از ثمره بهار عربی

ولی خیلی زود فهمیدند که این حرام زاده ها جز قصد شومی که نتایج مرگباری بهمراه دارد، برای این کشورها و ساکنین آن در مخیله شان نداشته و مطمئناً در آینده هم نخواهند داشت. باید گفت این کلاه برداری و جاه طلبی بسیار کثیف سیاسی که از مغز تعدادی نامرد تاجر مسلک تراوش کرده، در تاریخ صد سال گذشته از نظر بی رحمی و خبیثت بی سابقه است. حال تا کی به این جنایات شان ادامه میدهند، خدا میداند.

این قبیل سیاستمدارانی که در رده اول جدول رذالت قرار گرفته اند، برایشان مهم نیست که مردم در موردشان چگونه قضاوت میکنند. نه اهمیتی به تنفر دیگران نسبت بخودشان میدهند و نه رحم و شفقت در وجودشان هست. طراحان بی وجدان کشورهایی که در چگونگی ساختار و عملکرد داعش نقش داشته و همچنان از آن حمایت میکنند صد درصد مجرم هستند و یقیناً روزی دادگاه های بین المللی به آن رسیدگی خواهند کرد و مسئولیت آواره شدن و از بین رفتن صدها هزار انسان بیگناه که فدای جاه طلبی و کسب میلیاردها دلار از بابت فروش نفت و غیره شده اند را باید بعهده آنان گذاشت.

بارها در مجالس مختلف آقای باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا و هم پیمانانش صراحتاً تکیه بر این کرده اند که قبل از هرکاری میباید سقوط رژیم سوریه و برکناری بشار اسد در دستور کار باشد. در غیر این صورت جنگ در آن منطقه همچنان ادامه خواهد داشت.

بنابراین برای زمامداران این کشورها در بدو امر برکناری بشار اسد مطرح میباید تا نجات مردم مناطق جنگ زده، تا بتوانند در نبود اسد با شرایط سهل تری روسیه را وادار به برچیدن پایگاه دریائی اش در سواحل دریای مدیترانه نمایند. حال این جاه طلبی آمریکا و اسرائیل و دیگران به چه قیمتی برای ملت های دیگر تمام میشود، آیندگان از آن پرده برخواهند داشت.

فشارهایی که از جانب دولت آمریکا و دولت های دست نشانده اش از جمله ترکیه و عربستان سعودی و قطر بر دولت های کشورهای حامی اسد و اتحادیه اروپا وارد میکنند امروزه از چشم کسی پوشیده نیست و کاملاً مشهود است. تهدید هایی که بعنوان مختلف از طرف رجب طیب اردوغان نسبت به اتحادیه اروپا صورت می گیرد خود نمونه ای از آن است.

دولت کانادا اخیراً بیش از ۱۲ میلیارد دلار تسلیحات نظامی که بیشتر شامل خودروهای زره پوش (تانک) میباید به کشور عربستان سعودی فروخته که باید طبق قرارداد بسته شده مابین این دو کشور بزودی به عربستان صادر شود. طبیعی است که خرید و مصرف این تسلیحات بخاطر گلکاری قصر اختصاصی پادشاه عربستان و زاد و ولدش و یا برای جنگ با کشورهای قدرتمندی همچون آمریکا و انگلیس و اسرائیل و یا اتحادیه اروپا و چین و روسیه در نظر گرفته نشده، چون برای همه روشن است که عربستان جرأت درگیر شدن با این کشور های قدرتمند را که اربابانش هستند را ندارد. هدفش از بین بردن ساکنین مسلمان کشورهای همچون ایران و سوریه و عراق و یمن و شیعیان بحرین و غیره میباید. حال می خواهد مستقیماً دست به این کار بزند و یا غیر مستقیم. از طریق سازمان دادن و مسلح ساختن گروه های تروریستی امثال داعش و اقدام به ایجاد اختلاف مابین ملت های مسلمان از راه های گوناگون، خود گویای ذات بد برنامه ریزان این توطئه است.

موضوع دیگری که مکمل همین سناریو میباید سعی در بی حرمت کردن و از وجهه انداختن مسلمانان دنیا از راه های مختلف است.

اخیراً با تشکیل حزبی به نام AfD که ناگهان از میان جامعه کشور آلمان سر بر آورده بار دیگر عده ای از متعصبان آلمانی را به خیابان ها کشیده اند. البته این بار بر علیه قوم یهود شعار نمی دهند، بلکه بر علیه مسلمانان مقیم آلمان شعار میدهند.

نام کامل این حزب Alternative für Deutschland است که بفارسی میشود گفت «انتخابی دیگر برای آلمان» که در واقع بمعنای جانشینی احزاب دیگر آلمان.

اکثریت شعارهایی که حزب AfD روی آن تکیه میکند در ارتباط با این است که جامعه آلمان باید بصورت خیلی جدی از دیداد شهروندان مسلمان در آلمان جلوگیری بعمل آورد و همزمان با بزرگ نشان دادن نقاط ضعف مسلمانان و بدبین کردن دیگر ساکنین آلمان نسبت به شهروندان مسلمان، حتی اگر برخوردار از تابعیت کشور آلمان هم باشند، با ایجاد سلب اعتماد از آنان ناچار به ترک کشور آلمان شوند که در واقع وطن دوم آنان است.

البته یکی از راه کارهای آنان محدود کردن امکانات زندگی و ایجاد ناامنی در مناطقی است که مسلمانان سکنی دارند. طبیعی است که اعمال این راه و روش و انعکاس آن باعث خواهد شد که خیلی از مسلمانان از قصد پناهندگی به کشور آلمان بپرهیزند و به احتمال قوی از عزیمت به کشور آلمان صرف نظر خواهند کرد.

حال با توجه به مطالب بالا پی به وسعت این توطئه می بریم. سربه نیست کردن و به اسارت گرفتن مسلمانان و تصاحب منابع پر ارزش زیر و روی خاک این کشورها و همچنین چپاول و از بین بردن آثار تاریخی جوامع اسلامی که روزانه صورت میگیرد همچنان در دستور کار توطئه گیران است.

حال چطور میشود آمریکا و اسرائیل که بعد از خاتمه جنگ بین الملل دوم و شکست آلمان نظارت کامل بر کشور آلمان داشته و دارند و تا کنون هم اجازه نداده اند کوچکترین حرکتی که دال بر روی کار آمدن یک حزب دست راستی فاشیست مسلک ضد خارجی صورت بگیرد، امروز میباید در مقابل این حرکت سکوت میکنند و فرستنده هایی که

بنحوی تحت تأثیر و کنترلشان میباشند مستقیم و غیر مستقیم از این حزب حمایت میکنند. در واقع همان راه و روشی را پیش میگیرند که تا به امروز در ارتباط با گروه های تروریستی همچون داعش بکار گرفته اند. آیا این گویای این جمله نیست که میگویند «دشمن دشمن من، دوست من است»؟

همیشه قاعده بر این بود که اگر تغییر و تحولی صورت می گرفت و یا در حال شکل گرفتن است، چنانچه میخواستیم پی ببریم چه کسی در به اجرا گذاشتن این طرح ها نقش شاه کلیدی داشته، باید در محاسبه ای که صورت میگیرد ببینیم چه کسی و یا چه سازمانی و تشکیلاتی از این تغییر و تحولی که رُخ داده بهره مند شده و بیش از دیگران نفع برده. با سر و صدائی که اکنون در اطراف این حزب نوپا صورت گرفته و برنامه هائی که برای آینده ارائه میدهد، کاملاً میتوان پیش بینی کرد که چه کسانی از این طریق بخواست هایشان میرسند. مطمئناً اثرات فعالیت های این حزب از مرزهای آلمان هم خواهد گذشت و سرتاسر اروپا را آلوده مقاصد خود خواهد کرد.

حال با توجه به تمام این تغییر و تحولات سالهای اخیر از جمله پدیده داعش و همچنین برگزیدن و حمایت از فردی همچون دونالد ترامپ و شواهد مربوط به پیشینه نامبرده و مطالبی که در برنامه های انتخاباتی ابراز میکند، کاملاً گویای بی شخصیتی و فاقد لیاقت لازم برای احراز پست ریاست جمهوری آمریکا میباشد.

کاندید کردن یک چنین شخصی و یا حمایت از (AfD) حزب انتخابی برای آلمان و ساختار گروه تروریستی داعش و انتخاب نام بی مسمی «دولت اسلامی» که از کثیف ترین توطئه های قرن اخیر محسوب میشود که متأسفانه در نهایت بی شرمی بخواست و حمایت تعدادی از همین کشورهای به اصطلاح دمکرات و متمدن که به آن اشاره شد بمرحله اجرا گذاشته شده، در صورتیکه این قبیل اعمال تضاد کامل دارد با مصوبات حقوق بشر سازمان ملل.

چرا باید آمریکا و اسرائیل و ناتو همچنان حامی رجب طیب اردوغان باشند؟

آیا علت اصلی اینکه اتحادیه اروپا از پس اردوغان بر نمی آید و باید بخواست های وی را برآورده کند، همین حمایتی نیست که دولت آمریکا و دیگران از او بعمل میاورند؟

با در رأس قدرت بودن اردوغان که ژست سلطان های عثمانی را بخود گرفته و توقعات بیجائی که او دارد و همچنان به اذیت و آزار شهروندان ترکیه و حمایت از تروریست های داعش ادامه میدهد، چگونه میشود قبول کرد که روزی کشور ترکیه که نحوه عملکرد دولتش با ملتش از خصوصیات یک کشور تحت سلطه دیکتاتور برخوردار است به عضویت اتحادیه اروپا درآید؟

تنها راه نجات کشورهای اروپائی، بخصوص آلمان از هجوم پناهندگان و آشوبهائی که از آن سرچشمه گرفته و ادار کردن دولتهای آمریکا، اسرائیل، انگلیس و نوکرانشان عربستان سعودی، قطر و ترکیه در زمینه صرفنظر کردن از ادامه این توطئه میباشد تا هرچه زودتر راه کار اساسی که تنها از عهده آنان برمی آید بکار بسته و با از بین بردن تروریست های داعش و امثال آن بار دیگر امنیت و آرامش به مناطقی که تحت اشغال داعش بوده بازگردد.

مطمئناً همانطور که آمریکا موقعیکه تصمیم گرفت صدام حسین و معمر قذافی را از صحنه خارج کند، دیدیم که ظرف مدت کوتاهی بخواستش رسید. بنابر این میتواند همان راه و روش را در مورد این یک مشت مزدور تروریست هم پیش بگیرد.

دولت های مسئول آیا نباید فکر کنند بعد از این همه ظلم و کشتار انسانهای بیگناه موقمش رسیده باشد که در برنامه های جاه طلبی خود تجدید نظر کنند؟

مردم از آقای اوباما که بگرفتن جایزه صلح نوبل نائل شده انتظار دارند بخصوص در این آخرین لحظات ریاست جمهوری هرچه زود تر، بجای شرکت در جشن و سرور و کارهای دیگر، نسبت به نجات ملت های دربند کشیده و آواره لیبی، سوریه و عراق و کردهای این مناطق اقدامات فوری که حیاتی است صورت دهد و فعلاً از گروکشی در ارتباط با سقوط رژیم بشار اسد بخاطر میلیونها انسان بیگناه بگذرد.

در خاتمه باید قبول کنیم پدیده داعش یادگاری وحشتناک از دوران ریاست جمهوری آقای اوباما است که سر از زمین یا بهتر است گفته شود از کلاه شعبده بازان شاید سردرآورده. ریاست جمهوری آمریکا صاحب بالاترین نفوذ و قدرت نظامی و سیاسی امروز جهان است و دستگاه های امنیتی وابسته به دولت آمریکا و هم پیمانانش، بخواهند و یا نخواهند، مسئول میباشند. بهمین خاطر هم است که مسئولیت دفع شر از سر مردم که تنها شامل شمال آفریقا و یا خاور میانه نمیشود بلکه کشورهای اروپائی را هم دربر گرفته، بعهده رئیس جمهور آمریکا یعنی جناب آقای باراک اوباما میباشد که در رأس همه این زمامداران قدرتمند قرار گرفته است. نمیدانم آیا میتوانیم امیدوار باشیم که ایشان قبل از ترک کاخ سفید در این زمینه دست به اقداماتی بزنند که پاسخگوی آرزوی میلیونها مردم بیگناه باشد؟

آلمان – مونیخ

۹ خرداد ماه ۱۳۹۵

۲۹ ماه می ۲۰۱۶